

## درباره فراخوان به فراندوم: نظر مجامع اسلامی ایرانیان در باره فراخوان به فراندوم

جمعی از فعالان سیاسی و دانشگاهیان ایرانی در داخل و خارج کشور متنی را با عنوان (فراندوم تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی) منتشر و از عموم هموطنان درخواست نمودند آن را امضا نمایند. سپس با اعلام کناره گیری از کمیته همه پرسی، به حامیان (امضا کنندگان) اصل شکل گیری گفتمان "فراندوم ملی در ایران" پیوستند. متن از حقیقتی یعنی ذات مستبد نظام جمهوری اسلامی و تسلط ولایت مطلقه فقیه بر تمامی شئون آن، جان و مال مردم، مدد جسته تا تقاضا را موجه گرداند. پیشنهاد رجوع به آرای عمومی (فراندوم) مثل هر اقدام دیگری اگر به برقراری مردمسالاری و استقرار آزادی در ایران بیانجامد خوب است. اما مسلم است هر عمل، از جمله، هر اقدام سیاسی اهدافی را دنبال میکند و لاجرم به ابزاری فراخور آن هدفها نیاز دارد که بنوبه خود اثراتی بر کندی و یا شتاب روند تحول در جامعه بجای میگذارد. به همین دلیل بر فعالان سیاسی است که قبل از هر اقدامی در باره اثرات احتمالی آن بر جامعه، پژوهشهای لازم را انجام دهند. برای مثال اگر به اثر مخرب جنبش اصلاح طلبی توجه لازم مبذول میشود، اکنون وطنمان در وضعیتی اقلاً "بهرتر از آنچه که هست، قرار میداشت.

متن فراخوان مبهم است. این کلام "فراندوم برای تشکیل مجلس مؤسسان به منظور تدوین پیش نویس یک قانون اساسی نوین، مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای الحاقی آن، با رأی آزاد مردم" صورتی است کلی که از شفافیت کافی برخوردار نیست. زیرا اگر در نظر پیشنهاد دهندگان، محل فراندوم، ایران و عمل در چهار چوب قانون (قوانین فعلی جمهوری اسلامی) باشد، قانون اساسی جمهوری اسلامی به آنان چنین امکانی را نمیدهد. زیرا هر پیشنهاد فراندومی باید از مجرای "رهبری" گذر نماید. و محال است رهبری به فراندومی تن بدهد که انحلالش را بدنبال خواهد داشت. علاوه بر این، از آنجاکه برطبق قانون اساسی ولایت مطلقه فقیه "منشاء الهی" دارد رجوع به آراء عمومی در مورد این اصل مجاز نیست، حتی خود رهبر نیز نمیتواند لغو آن را طلب نماید. بنا بر این، در محدوده نظام کنونی، از وسیله فراندوم نمیتوان برای استقرار مردمسالاری در ایران کنونی استفاده کرد و آن را جایگزین جنبش عمومی مردم ایران نمود و اقدامی قانونی نامید (که در اثر آن خون از دماغ کسی نمی ریزد). تمامی مبارزه ما برای استقرار قانون، قانونی بیانگر حقوق انسان و حقوق ملی ایرانیان، است. بنا بر این، اگر قانونی ناقص حتی از حقوق انسان بود، نمیشود آن را محترم و لازم الاجرا دانست و از آنجا که در این نظام، ولایت مطلقه فوق قانون است، قوانین جمهوری اسلامی ناقص کلیه حقوق شهروندان ایرانی است.

اگر منظور پیشنهاد دهندگان جلب افکار عمومی ایرانیان و دعوت آنان به یک جنبش باشد، چنین قصدی در فراخوان ابراز نشده و اگر پیشنهاد کنندگان در سر دارند، مردم ایران با پیشنهاد سر و کار دارند و نه با آنچه در سر این یا آن می گذرد. باید به روشنی گفت: جامعه ای ایرانی می باید به جنبش همگانی روی آورد تا که کار به انجام فراندوم برای استقرار نظام مردم سالار بیانجامد. اما برای اینکه جنبش مردم ایران که بطور پراکنده، در حرکت های اعتراضی دانشجویان، معلمان، کارگران و کشاورزان و بالاخره ناراضبانی عمومی، بروز می کند، به یک جنبش عمومی بیانجامد باید:

1- هدف را آزادی قرار داد نه کسب قدرت،

2- بیان روشن فکرواندیشه راهنما که نظام پیشنهادی بر آن بنا می شود،

3- پیشنهاد بدیل (جانشین) با برنامه شفاف بیانگر اصول راهنما (یاد آور می شویم که مجامع اسلامی ایرانیان طرحی را با عنوان نظام پیشنهادی به افکار عمومی ارائه داده اند که در سایت مجامع موجود است)

اگر قصد پیشنهاد دهندگان آگاهی افکار عمومی جهانیان از نفی شدن نظام جمهوری اسلامی از سوی مردم ایران باشد، باید گفت که مردم آگاه ایران در چند انتخابات اخیر با عدم شرکت گسترده منظور آنان را حاصل کرده اند و...

اگر خدای ناکرده منظور زمینه سازی برای مداخله خارجی و بدنبال آن فراندوم است (لااقل بخش کوچکی از امضا کنندگان که بعد بدان پیوستند به این تفکر تعلق دارند و آرزوی آن را در سر می پروراند و در فراهم کردن اسباب آن میکوشند) این فرض خود ناقص استقلال و نافی مردمسالاری است. از جمله مضرات متونی که از شفافیت برخوردار نیستند، بخصوص آنها که کسب امضا را مدنظر دارند میتوان به این ضررها اشاره کرد:

1- تنوع و گستردگی ماهیت مبارزه با یک نظام استبدادی را در سطح یک شعار تقلیل می‌دهند و بدینسان تنها زمینه را برای فعالیت ناشناخته‌هایی که هدفشان نه استقرار آزادی بلکه جانشینی قدرتی با قدرت دیگر است و تبحرشان نیز در سوار شدن بر موج احساسات موجود در جو ابهام و غیر شفاف است فراهم می‌آورد.

2- بخشی از جامعه را منفعل مینماید و حداکثر عمل آن را در امضای متون خلاصه مینماید و از سوی دیگر در بخشی از جامعه که بیشتر صورت را میبیند امید کاذب ایجاد مینماید. قیاس این پیشنهاد با جنبش دوم خرداد معل الفارق است. با وجود این، باید تأکید کرد که آن جنبش سرانجام بسر خوردگی انجامید. و هر سر خوردگی به تقویت نظام میانجامد و به ادامه حیات آن کمک می‌کند.

3- از میان رفتن مرز بندیها خطرناک و از آفات جنبش عمومی برای مردمسالاری است، بالاخره چه کسی جمهورخواه و چه کسی سلطنت طلب و کی پهلوی طلب است؟ آنان که بازماندگان خاندان پهلوی را صاحب ملک و ملت ایران میدانند و از قبل شاه و نوع نظام دلخواه خود را تعیین کرده اند چه سنجی با یک جمهوری خواه میتوانند داشته باشند؟ آیا اشتراک امضا هیچ تعهدی نمی‌آورد؟ آیا "انتلاف بزرگ" با جمع اعداد امکان پذیر است و آنانی که در این انتلاف شرکت مینمایند در دعوی خود صادقند؟ آیا هنوز هدف وسیله را توجیه میکند؟ آیا...

ما اعتقاد داریم که مردم ایران که با انقلاب شکوهمند خود در سال پنجاه و هفت به بیش از بیست و پنج قرن استبداد شاهنشاهی پایان بخشیدند اینک تجربه دولتی دینی که از دین به عنوان ابزار قدرت استفاده میکند را از سر گذرانده اند و در حال گذار به یک نظام مردم سالارند که در آن:

استقلال بدین معنا که هیچ قدرت خارجی شریک حاکمیت مردم بر حق سرنوشت خویش نیست و حق هیچگونه مداخله در امور مربوط به مسائل داخلی ایران را ندارد و هیچ ایرانی نیز مجاز نیست به هر بهانه ای که باشد مداخله قدرتهای بیگانه را در مسائل داخلی مطالبه نماید.

آزادی یعنی هیچ فرد و گروه و سازمان یا حزبی شریک حاکمیت مردم نیست و ولایت از آن جمهور مردم است.

جدایی دین، مرام، ایدئولوژی از نهاد دولت.

رشد بر میزان عدالت.

از اصول پایه و خدشه ناپذیر می‌باشند.

و این گذار به جنبشی عمومی و بدور از خشونت امکان پذیر است و مردم ایران به چنین جنبشی قادر و توانمندند. در واقع کار اساسی، کاری است که زمینه چنین جنبشی را فراهم آورد. هر گروهی یا حزب و ائتلافی نظام پیشنهادی خود و مختصات و ویژه گیهایش را به مردم معرفی کند تا نکات مشترک در عرصه بحث یافته شوند و با شناخت عمومی مردم از احزاب و سازمانها و گروهها، ناشناخته ای در عرصه مبارزه سیاسی نماند.